

## ارتقاء فرهنگ ایثار و شهادت در بین نسل جوان

علیرضا عزیزی<sup>۱</sup>، رافعه اکبرشاهی<sup>۲</sup>

### چکیده

فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه‌ای از معانی نمادین است که ایثارگری و میل به شهادت را در افراد به وجود می‌آورد و با نهادینه شدن آن، نگرش‌ها و رفتار افراد را به سمت رفتارهای ایثارگرانه سوق خواهد داد. انقلاب اسلامی که خود ثمره ایثار و شهادت است، موجب تغییر و تحول در تمامی سطوح جامعه گردید یقیناً در این عصر اطلاعات، اگر ملتی در راه حفظ و تقویت دستاوردهای فرهنگی خود قدم پیش نگذارد، نمی‌تواند در مقابل تهدیدها مصون بماند. خصوصاً امروزه که مظاهر تمدن جهان، خصوصاً پیشرفت علوم، اذهان و قلوب را مسخر ساخته است، افراد و گروه‌های مغرض، یا کم‌اطلاع و یا ساده‌لوح به تحریک سیاستمداران جهان‌خوار، می‌کوشند که دین اسلام و فرهنگ اسلامی و ارزش‌های حاکم بر آن را مخالف و مخرب زندگی و پیشرفت معرفی کنند و برای رسیدن به اهداف خود نسل جوان ما را آماج دسیسه‌های فرهنگی خود قرار داده‌اند لیکن بر ماست که در راه شناخت و بازشناسی فرهنگ اصیل اسلامی خصوصاً ارتقای فرهنگ ایثار و شهادت گام‌های مؤثری برداشته شود. موضوع این نوشتار ارتقا فرهنگ شهادت و ایثار در بین نسل جوان است و مستند برای ما مطالب و نظرات قرآن مجید و روایات و سخنان بزرگان دین، همچنین آرا و اندیشه‌های اندیشمندان اسلامی و صاحب‌نظران و کارشناسان در این زمینه است. فایده این پژوهش بررسی دو چیز است؛ اول: شناخت فرهنگ ایثار و شهادت و مبانی آن دوم: چگونگی گسترش این فرهنگ در نسل جوان.

### واژگان کلیدی

ایثار، جوانی، شهادت و فرهنگ.

alireza.azizi.92@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

r.akbarshahi@ut.ac.ir

۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

## ❖ مقدمه

شهادت هنر مردان خداست و شهیدان هنرمندانی بزرگ، در بازنمایی و ترسیم مفاهیم تعالی انسان خاکی‌اند. گام زدن در راه کسب دانش و خرد ناب نیز جهادی است که انسان جوینده را به سرچشمه‌های حقیقت و لطف الهی رهنمون می‌سازد. هرکس که گام در این دو راه نهاد، بدون شک اجری عظیم نزد پروردگار خواهد داشت و چه مقامی والاتر از اینکه در هردو جهاد، سربلند و آزاده‌ای وارسته شوی در اسلام و زبان قرآن و زبان اهل بیت معصومین، شهادت‌گزینش مرگ سرخ متکی بر شناخت و آگاهی و بر مبنای آزادی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل و خطوط انحرافی و طاغوتی است که مجاهد با همه منطقی و شعور و بیداری و بینایی و حضور خود انتخاب می‌کند، رسوا می‌کند، انشاء می‌کند و حیات یک ملت و تاریخ را تضمین می‌کند. شهادت یکی از حقایق قرآنی است که در موارد متعدد یاد شده و دارای معنای وسیعی این خون است. شهادت خون دوباره‌ای است که به کالبد نیمه‌جان جامعه وارد می‌شود و عنصر لطیف حیاتی، در نظام اجتماعی به عنوان گویاترین مؤثرترین عامل تبلیغ و آگاهی و سازندگی است. شهادت به معنای واقع و کامل کلمه ابتدا «و ذاتاً» متعلق به پروردگار متعال است «ان الله کان علی کل شیئی شهیداً» بی‌تردید خداوند بر همه چیز گواه و شاهد است؛ در مرتبه بعد شهادت از ویژگی‌های پیامبر و ملائکه الله است. (نساء، ۳۳) «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا» ای پیامبر ما تو را فرستادیم تا شاهد همگان و مژده دهنده دوستان و ترساننده دشمنان باشی. (احزاب، ۴۵) اسلام با طرح شهادت نه تنها تحول نوینی در مسئله مرگ ایجاد کرده، بلکه از او به عنوان حیات جاوید و زندگی راستین نام برده و در حقیقت شهادت را تولدی دوباره می‌داند. وقتی که انسان‌ها شهادت را یک ارزش و شهادت‌خواهی را به عنوان والاترین آرمان خود برگزیدند و انتخاب می‌کنند و در جستجوی آن، حجاب‌ها و موانع را در هم می‌شکنند، بارزترین خصلتی که در مسلمانان مجاهد متجلی می‌شود مانع براندازی و بت‌شکنی است. شهادت جهاد رنگین و سرخ رنگ است و رنگ خون دارد، خونی که به پیشگاه مقدس الهی تقدیم می‌شود. شهادت قربانی کردن در راه حق است. شهادت وقتی است که هدف، حق باشد و آرمان خدا باشد.

شهید نزد همهٔ جهانیان مقامی بلند و منزلتی ارجمند دارد. همه کس شهید را به دیده احترام می‌نگرد ولی نزد پیروان قرآنی مقامی بالاتر و منزلتی والاتر دارد. اسلام در معنی شهید با اقوام دیگر اختلاف نظر دارد. پاداش شهیدی در اسلام رضوان‌الله می‌باشد که مقامی از آن بالاتر و سعادت‌تری از آن بیشتر و برتر نخواهد بود. شهادت خواهی در اسلام بسیار پرارزش است. از جملهٔ ایثارها، ایثار جان است و خون، آنچه در فرهنگ مذهبی و با عنوان شهادت بیان می‌شود ارزش «قتل فی سبیل الله» و اسلامی بسیار دارد. شهادت خواهی زمانی که تعیین‌کنندهٔ استراتژی جنگ است، این آرمان است که هنرمی آفریند، خلاقیت می‌بخشد، ابداع و ابتکار می‌آورد و بالاخره زندگی و حیات و همه‌چیز و به رهبری زمینه می‌دهد و امکان می‌دهد که ابتکار عمل در دست گرفته و سیاست حاکم بر جنگ را تعیین نموده و فرماندهی کند همان‌گونه که امروز در رابطه بین امام و امت قهرمان متبلور است و این رهبری است که باید پیروز شود و بر این اساس است که شهادت یک ارزش می‌شود.

### مبانی نظری پژوهش

#### فرهنگ شهادت

مجموعه‌ای از اعتقادات و آموزه‌هایی است که باعث شکل‌گیری روحیهٔ شجاعت، مبارزه و جهاد در راه خدای متعال و نهایتاً کشته شدن در راه ایمان و عقیده است. محور اصلی این فرهنگ نیز همان شهید و انگیزه‌های متقن و مقدسی است که او را به سمت شهادت‌طلبی سوق می‌دهد (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۱)

#### واژه شهید

شهید و شهادت‌طلبی از جمله عبارات مقدس و قابل احترام در کلیهٔ جوامع و ادیان مختلف است که قدمت زیادی (حتی قبل از ظهور دین اسلام) دارد. این واژه مقدس تداعی‌کنندهٔ بسیاری از صفات حسنه و مورد احترام انسان‌ها از قبیل: فداکاری، شجاعت، آزادگی، عزت و غیره می‌باشد؛ و صرفاً از زاویهٔ مذهبی و اعتقادی به آن توجه نشده است. در طول تاریخ بشریت انسان‌هایی بوده و هستند که از گران‌قدرترین هدیهٔ الهی به ودیعت گذاشته شده در

کالبد آن‌ها به راحتی صرف‌نظر کرده و این گوهر ارزشمند جان خود را در نهایت آگاهی و اخلاص با خالق خویش معامله کرده‌اند. شهادت بالاترین آزمایشی است که شهید با موفقیت از آن بیرون می‌آید رستگاری و جایگاه رفیع او در جنت نعیم الهی تضمین خواهد شد. آری شهدا همان انسان‌های بزرگ و ارزشمندی هستند که برای جلب رضایت معبود از همه هستی و حق حیات خود در این دنیای فانی انقلاب اسلامی گذشته و از نثار عزیزترین سرمایه خود در راه جانان دریغ نکرده‌اند. ایران و جنگ تحمیلی (هشت سال دفاع مقدس) از جمله وقایعی بود که شهادت را در عرصه نظر و عمل معنا نمود و امروز باگذشت ۳۱ سال از پیروزی انقلاب اسلامی جامعه ایران با تقدیم ۲۱۹ هزار شهید، در مرحله تثبیت پایه‌ها و سیر تکاملی خود است و از آنجاکه ظهور پدیده انقلاب اسلامی و ثبات نظام اجتماعی برآمده از آن، مدیون هزاران شهیدی است که به دفاع از میهن و مکتب خود برخاسته و خویشتن را در راه آن قربانی نموده‌اند. لذا توجه به شهیدان و معرفی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، مخصوصاً در بین نسل جوان لازم و ضروری می‌باشد. (پاسدار اسلام ۱۳۸۲ ش ۲۶۶)

### شهید و شهادت در آیات قرآن

ادبیات دینی با این واژه تعاملی چندان دارد. در قرآن کریم واژه شهید ۱۶۰ بار به صورت مشتقات مختلف ذکر شده که واژه شهید ۳۵ بار و جمع آن شهدا ۲۰ بار و مثنی آن شهیدان ۱ بار به کار رفته است. علاوه بر آیات قرآن، روایات اسلامی نیز در پرداختن به مسئله شهید و شهادت، از چنان غنایی برخوردارند که خود تحقیقاتی مفصل و مستقل می‌طلبند. وسایل شیعه، مستدرک، بحارالانوار، میزان الحکمه، نورالثقلین، کنزالعمال و دیگر منابع اسلامی با بهره‌گیری از کلام پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)، دیدگاه دینی را در باب بار معنایی که واژگان شهید و شهادت از آن برخوردار است و اجر منزلتی که اسلام برای شهید برمی‌شمارد تبیین نموده‌اند. (قرائتی ۱۳۷۷) در قرآن کریم آیات بسیاری می‌باشد که مستقیم و یا غیرمستقیم مربوط به شهید و شهادت و فضائل و مناقب و خصائل آن‌ها می‌باشد، ولی به دلیل قلت بضاعت این حقیر و محدودیت مقاله نمی‌توان به همه آن نکات و دقت‌ها و اشارت‌هایی که در این خصوص در کلام الهی هست حتی در حد محدود پرداخت؛ لذا به

آنچه ذکر شد بسنده می‌شود. قرآن در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۵ سوره آل‌عمران<sup>۱</sup> به مقام شهیدان می‌پردازد. البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود. آنان به فضل و رحمتی که از خداوند نصیبشان گردیده شادمان‌اند و به آن مؤمنان که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آن‌ها به راه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ نترسند و از فوت متاع دنیا هیچ غم مخورند؛ و آن‌ها را بشارت به نعمت و فضل خدا دهند و اینکه خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگرداند. در قرآن آیات متعددی درباره شهید و فضیلت آن در راه خدا ذکر شده است که به اختصار قسمتی از آن را بیان می‌کنیم.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۴: کسی را که در راه خدا کشته شد، مرده نپندارید، بلکه او زنده جاوید است، ولیکن شما این حقیقت را نخواهید یافت. در آیه بالا ۳ تذکر بسیار مهم درباره شهدا به انسان‌های دیگر شده است:

- در پندار و گفتار در مورد شهدا نباید لفظ (مرگ) را بکار برد؛
- حیات شهدا بعد از شهادت برای همیشه جاودان است؛
- ما توان درک زندگی شهدا را نخواهیم داشت. در حقیقت این سوره جایگاه شهید را نشان می‌دهد تا جایی که بشر نمی‌تواند مقام رفیع شهید را درک کند؛

۲. سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۹: سست نشوید و اندوهگین نباشید و شما برترید، اگر هستید مؤمنان. این آیه بعد از جنگ احد نازل شد، که مؤمنان در جنگ شکست خوردند. اینجا می‌خواهد تذکر بدهد که اگر دارای ایمان استوار باشید و برای همیشه برترید و شما شاهدان و رهبران برهم نیز هستید.

۱. وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عند ربِّهم يرزقون (۱۶۹) فَرِحِينَ بِمَاءِ آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰) سَتَبَشِّرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا ضَيعَ أَجرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

۲. وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اموت بل احياء ولكن لا تشعرون

۳. وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ انتم الاعلون ان كنتم

۳. سوره حج، آیه ۵۸<sup>۱</sup>: و آنان که در راه خدا از وطن هجرت گزیده و در این راه کشته شده یا مرگشان فرامی‌رسد. البته خدا رزق و روزی نیکویی نصیبشان می‌گرداند، که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است. در این آیه پاداش کسانی که برای رضای خدا هجرت را برگزیند، رزق و روزی خاص معرفی می‌کند، یعنی برندگان این صحنه پاداش را از خود خدا می‌گیرند. در حقیقت این آیه ایجاد انگیزه می‌کند و شارژ کننده برای کسانی که می‌خواهند در مقابل اهریمنیان ایستادگی کنند.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹<sup>۲</sup>: مرده نپندارید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، بلکه زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌برند. در این آیه تفاوت مردن معمولی با کسانی که در راه خدا شهید شدند، به‌وضوح دیده می‌شود و یک پاداش بزرگ برای این گروه در نظر گرفته شده است و آن روزی خوردن در نزد خداوند متعال می‌باشد. این آیه از ویژگی‌های شهدا پرده برداشته که آنان زنده‌اند و تمام خصوصیات حیات را دارا می‌باشند. از آثار حیات، روزی خوردن و ارزاق است که شهدا به نحو احسن از آن برخوردارند.

۵. سوره توبه، آیه ۳۰<sup>۳</sup>: کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند. در این آیه جهاد گران با مال و جان در راه خدا را رستگاران معرفی کرده و سعادت آن‌ها را تضمین کرده چراکه مقامشان در نزد خداوند بلند است یعنی کسانی که بی تفاوت به مستبد نیستند و در برابر کافران قیام می‌کنند را تشویق می‌کند و پاداش آن‌ها را سعادت و مقام بلند و رستگاری معرفی کرده است.

۶. سوره نساء، آیه ۷۳<sup>۴</sup>: مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کسی در راه جهاد خدا کشته شود فاتح است زود باشد که او را

۱. والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا وان الله لهو خیر الرازقین

۲. ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون

۳. الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئك هم الفائزون

۴. لیقتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالآخرة و من یقتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرا

اجری عظیم دهیم. در این آیه ابتدا تکلیف مؤمنان را مشخص می‌کند که در برابر کسانی که دنیای مادی را بر آخرت ترجیح دادند، باید جهاد کنند؛ و حالا اگر در این جهاد کشته شوند و چه فاتح هر دو را پیروز می‌داند و پاداش عظیم می‌دهد. در آیات فوق شهدا را انسان‌هایی برجسته و بیدار معرفی می‌کند و آن‌ها را پیروز واقعی این دنیا و آن دنیا و روزی خور در نزد خداوند و سعادتمند و فاتح و دارای مقام بلند و شاهد بر دیگر امت‌ها معرفی می‌کند و پاداش شهدا را خداوند بر خود مفروض می‌داند.

۷. سوره نساء، آیه ۷۴: کسی که به دستور خدا در راه خدا با دشمن می‌جنگد از برای آنکه ظلم و فساد را ریشه‌کن کند و دین خدا را در زمین استوار نماید تا آنکه مستضعفین و محرومین از چنگال اهریمنان نجات یابند، هر گاه این مجاهد راه خدا کشته شود و یا پیروز شود خداوند به او اجر و پاداش عظیم خواهد داد.

۸. سوره آل عمران، آیه ۱۵۷: اگر شما در راه خدا کشته شوید یا بمیرید هر آینه مغفرت و رحمت خدا برای شما خواهد بود (و رحمت و مغفرت خدا برای شما بهتر است) از آنچه را که در دنیا برای خود اندوخته‌اید. همه گناهان شهید مورد عفو و مغفرت قرار می‌گیرد و بخشیده می‌شود.

۹. شهادت تجارت و معامله با خداوند است که سودمندترین معاملات است. (توبه/۱۱۰)

۱۰. شهادت در طول تاریخ و نزد همه ادیان الهی دارای ارزش بوده و محبوبیت تاریخی دارد. (توبه/۱۱۱)

۱۱. شهادت بالاترین رستگاری و فوز عظیم است. (توبه/۱۱۲)

۱۲. ایمان و هجرت و جهاد، زمینه، عناصر و عوامل شهادت می‌باشند. (آل عمران/۱۹۵)

۱۳. ثواب و پاداش شهیدان از سوی خداوند ضمانت شده و ضایع نمی‌گردد. (آل عمران/۱۹۵)

۱۴. اجر و مزد شهیدان بهشت الهی است، یعنی جوار رحمت و رضوان حضرت حق (آل عمران/۱۹۶)

۱۵. شهیدان قبل از شهادت به جایگاه خود معرفت پیدا می‌کنند. (محمد/۶)
۱۶. آثار و اعمال شهیدان پایدار و جاوید است و از بین نخواهد رفت. (محمد/۵)
۱۷. شهید به تمام آرزوها و آرمان‌های مقدسش نائل می‌شود. (محمد/۷)
۱۸. شهید به لقاء الله می‌رسد و پیروزی حقیقی از آن اوست. (آل عمران/۱۵۹)
۱۹. شهادت رجعتی است به میعاد و وطن اصلی. (آل عمران/۱۵۸)
۲۰. شهادت معرفی کننده مؤمنین است. (آل عمران/۱۵۳)
۲۱. شهادت جامعه را تصفیه و پالایش می‌کند. (آل عمران/۱۵۴)
۲۲. شهادت آزمایشگاه مؤمنین است. (آل عمران/۱۵۴)
۲۳. شهادت رهایی از مرگ بیهوده و ارزان است. (آل عمران/۱۴۵)
۲۴. شهادت جامعه را مقاوم و پویا نموده مشتاق ایثار می‌سازد. (آل عمران/۱۳۹)
۲۵. شهید هم‌نشین پیامبران و صدیقان است. (نساء/۶۹)
۲۶. در عرفان عملی شهید علاوه بر خودسازی، دیگرسازی و اصلاح از ارکان طریقت است. (توبه/۱۱۲).

### شهادت و ایثار در روایات و احادیث

۱. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرمودند: سه طایفه شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود: پیغمبران، علماء و شهدا (سفینه البحار، ج ۱، ماده شهید)
۲. رسول خدا (ص) می‌فرماید: کسی که از خانه خود به قصد نگهبانی مرزها و یا برای جنگ و جهاد در راه خدا بیرون آید، در هر قدمی که برمی‌دارد، هفت صد هزار حسنه داده می‌شود و هفت صد هزار گناه از وی بخشیده می‌شود، او در ضمان و بر عهده خدا خواهد بود به هر نحوی که بمیرد، چه با اجلس بمیرد و یا اینکه شهید شود و چنانچه برگردد، بخشوده شده و پاک گشته و دعایش در پیشگاه خدا مستجاب خواهد بود.

۱. عن الصادق عليه السلام عن أبائه ان رسول الله صلى الله عليه و آل قال ثلاثه يشفعون الى الله تعالى يوم القيمة فيشفعهم الابناء ثم العلماء ثم الشهداء



۳. رسول خدا (ص) فرمود: مافوق هر نیکی، نیکی بیشتر و هنری وجود دارد، آنجا که مردی در راه خدا کشته می‌شود، بالاتر از آن نیک نیست.

۴. امام رضا (ع) از علی (ع) نقل می‌کند که جوانی در هنگام سخنرانی امام علی (ع) از امام سؤال کرد که فضیلت جنگجویان خدا را برای من تشریح کن. امام علی (ع) از رسول خدا حدیث مفصلی را نقل می‌کند از لحظه‌ای که جهادگر به میدان جنگ می‌رود تا لحظه شهادت که در اینجا قسمتی از آن را ذکر می‌کنیم: «هنگامی که جهت نبرد پا به میدان می‌نهد و نیزه‌ها و تیرها ردوبدل می‌شود و جنگ تن‌به‌تن شروع می‌گردد، فرشتگان با پروبال اطراف آنان را می‌گیرند و از خدا می‌خواهند که او در میدان ثابت‌قدم باشد. در این هنگام منادی فریاد می‌زند «بهشت زیر سایه شمشیرهاست» در این هنگام ضربات دشمن بر پیکره شهید ساده‌تر و گوارتر از نوشیدن آب‌خنک در روز گرم تابستان است. هنگامی که شهید هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمات بزرگ معنوی و مادی که خدا جهت وی فراهم ساخته است، برای وی شرح می‌دهند و هنگامی که به روی زمین قرار می‌گیرد، زمین می‌گوید: آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه عروج می‌کند. بشارت باد بر تو. چیزی که نه چشمی آن را دیده است و نه گوشی آن را شنیده است و نه از قلبی خطور کرده است، مخصوص توست و انتظار تو را می‌کشد». خداوند متعال چنین می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان توأم هر کسی بازماندگان تو را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هرکسی آن‌ها را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.

۵. رسول خدا (ص) فرموده است: «خداوند چنین فرموده است، من جانشین شهید خانواده وی هستم هر کسی رضایت خانواده شهید را جلب کند، رضایت مرا جلب کرده است و هرکسی آن‌ها را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است» (وسائل الشیعه، باب ۲۵، حدیث ۳).

۶. رسول خدا (ص) فرمود: شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می‌کند. (کنز العمال، ج ۴: ۱). در این حدیث و احادیث دیگری که در مورد شهادت و مقام شهید آمده است، همه درجه بلند و مقام عظیم شهید را نشان می‌دهد که بهترین نیکی است و شهید را به عنوان شاهد جامعه معرفی می‌کند که رضایت خداوند را شهید با کارش جلب می‌کند، حتی تا

جایی که سرپرست خانواده شهید را خداوند خود به عهده می‌گیرد. بلندترین مقام در آخرت شفاعت است که این مقام از آن پیغمبران، بزرگان و امامان است که در این کار نیز شهدا با آنان برابری می‌کنند، یعنی می‌توانند شفاعت هفتاد نفر را بکنند. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه و آله و سلم در سخنان مبارکی که ابو داوود آن را از ثوبان رضی‌الله‌عنه روایت کرده است، راز سستی و کاهلی را که امروزه امت اسلامی به آن دچار شده‌اند، تشریح کرده است. آن حضرت می‌فرماید: «زمانی فرامی‌رسد که ملت‌های دیگر مانند گرسنگانی که به غذا حمله می‌برند بر شما هجوم آورند. فردی پرسید آیا آنگاه ما اندک هستیم؟ حضرت فرمودند: نه آن روز تعداد شما بسیار است، اما شما مانند کف روی آب هستید و خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان برداشته و شما در آن زمان بسیار سست و تنبل هستید. پرسیده شد ای رسول خدا! سستی در چیست؟ ایشان فرمودند: علاقه به دنیا و تنفر و کراهت از مرگ». این همان درد مزمنی است که مسلمانان معاصر به آن مبتلا هستند. علاقه و عشق به دنیا انسان را بنده شهوات و هوا و هوس‌های دنیایی می‌کند. تنفر و هراس از مرگ نیز موجب ذلت و خواری و حقارت دنیا و آخرت خواهد بود. لذا قرآن کریم نگرانی انسان را نسبت به روزی برطرف ساخته و در این کتاب مقدس تأکید شده است که روزی به دست خداوند است. خداوند متعال بر این مسئله سوگند یاد کرده است و می‌فرماید، در آسمان روزی شماست و نیز چیزهایی که بدان وعده و وعید داده می‌شوید به خدای آسمان و زمین سوگند که این حق است، درست همان‌گونه که شما سخن می‌گویید (و سخن گفتن کاملاً برایتان محسوس است و درباره آن شک و تردیدی ندارید) (ذاریات / ۲۲ و ۲۳).

خداوند متعال درباره مرگ نیز فرموده است که آن نیز در دست خود اوست: هر گروهی دارای مدت‌زمانی (مشخص و معلوم) است و هنگامی که زمان (محدود) آنان به سر رسید، نه لحظه‌ای تأخیر خواهند کرد و نه لحظه‌ای بر آن پیشی می‌گیرند. (اعراف / ۳۴) خداوند متعال همچنین می‌فرماید: بگو، اگر در خانه‌های خود هم بودید، آنان که کشته شدن در سرنوشتشان بود، به قتلگاه خود می‌آمدند (و در مسلخ مرگ کشته می‌شدند) (آل‌عمران / ۱۵۴). پس اگر سرنوشت مؤمنان در وقت مرگ این‌گونه است، پس شهیدانی که خداوند متعال آنان را به این مقام برگزیده است و آنان جان خود را فی سبیل الله تقدیم کرده‌اند، چه

حالی خواهند داشت؟ یقیناً آنان گرامی‌ترین و محبوب‌ترین مخلوقات در نزد خداوند مهربان هستند و چرا این‌گونه نباشند که خداوند متعال خود به ایشان وعده نیکوترین زندگی را داده است. سعد بن ابی وقاص می‌گوید: یک‌بار ما به امامت پیامبر نماز می‌خواندیم، مردی وارد مسجد شد و هنگامی که به صف جماعت پیوست گفت: خداوندا به من چیزی بده که به بندگان صالح خود می‌دهی. هنگامی که پیامبر نماز را به پایان رساند، فرمود: کدام‌یک از شما این‌گونه دعا کرد؟ آن مرد گفت که من گفتم یا رسول‌الله، ایشان فرمودند: تو بر اسب خویش سوار می‌شوی و در راه خدا به شهادت می‌رسی. این حدیث را حاکم روایت کرده و گفته است که به شرط امام مسلم صحیح است. پس نه رفتن به جنگ مرگ را نزدیک می‌کند و نه فرار از جنگ، آن را به تأخیر می‌اندازد. در اینجا خوب است به یک نکته تاریخی در این‌باره اشاره گردد. خداوند متعال برای خالد بن ولید که از قهرمانان صدر اسلام بود شهادت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را مقدر نکرده بود. خالد پس از سال‌ها شرکت در جنگ‌های متعدد در بستر مرگ جان به جان آفرین تسلیم کرد. او پیش از مرگ گفت: به خدا قسم در هر وجب از بدنم جای ضربه شمشیر یا محل اصابت تیری وجود دارد، اما من هم مانند شتر می‌میرم، ولی بز دلان هرگز این را نمی‌فهمند! این همان چیزی است که علی بن ابی طالب را بر آن داشت که این شعر معروف را بسراید که:

أی یومی من الموت أفر  
یوم لا یقدر أو یوم قدر

یوم لا یقدر لا أحره  
و من المقدر لا ینجو الحذر

(از کدام روز مرگ می‌توانم بگریزم آن روزی که مرگ در آن مقدر نشده یا آنکه مقدر شده است اگر مرگ در روزی مقدر نشده باشد. من از آن باکی ندارم و هشیار هم نمی‌تواند از روزی که در آن مرگ برایش مقدر شده است، بگریزد.) به همین دلیل، در دین مبین اسلام تأکید شده است که مرگ انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر و از خانه‌ای به خانه دیگر و از زندگی به زندگی دیگر است. آن کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. (ملک/ ۲) او چیره و توانا و آمرزگار و بخشاینده است. خداوند متعال هیچ نعمتی را از بندگان نمی‌ستاند مگر آنکه نعمت بزرگ‌تری را به جای آن به آن‌ها بدهد. کسانی که می‌گویند پروردگار ما خداست و سپس

پابرجا و ماندگار می‌مانند، فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند و بدانان مژده می‌دهند که نرسید و غمگین مباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده شده است ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیایی و در آخرت هستیم و در آخرت برای شما هر چه آرزو کنید هست؛ و هر چه بخواهید برایتان فراهم است اینها به عنوان پذیرایی از سوی خداوند آمرزگار و مهربان است. (فصلت/۳۰-۳۲). از امام صادق (ع) روایت می‌کند که امام فرمود: کسی که در راه خدا کشته شود خداوند سیئات و گناهان که کرده است مواخذه و مجازات نخواهد کرد. علی (ع) فرمود: خدا بر بندگانش واجب کرد جهاد را و آن را بزرگ داشت و وعده نصرت و پیروزی را برای دین و دنیای مردم در سایه جهاد قرار داد. به خدا سوگند کارهای دنیا و آخرت اصلاح نمی‌شود مگر در سایه جهاد و پیکار با دشمن. پس باید با دشمن جنگید و استقامت و پایداری در راه نابودی دشمن وجود داشته باشد تا فتح و پیروزی نصیب مسلمانان شود. امام صادق (ع) از پیغمبر اکرم (ص) فرمود: تمام خوبی‌ها و ارزش‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است که مردان جنایتکار و آلوده را سر جایشان می‌نشانند و ریشه فتنه و فساد را قطع می‌کند. مسلمین و مجرومین جهان هرگز نخواهند آرامش و آسایش داشته باشند مگر آن که شمشیرها را در راه عدالت و قطع ریشه کفر به کار برند و این سلاح‌ها و شمشیرها هستند که کلیدهای دوزخ و بهشتند اگر در راه خدا و سعادت بشر به کار افتند. در سایه همین شمشیرها و سلاح‌ها بهشت برای زندگی جامعه فراهم می‌شود و اگر در راه بدبختی و بیچارگی و به استثمار کشیدن توده مردم محروم و مستضعف به کار افتد همین سلاح‌ها و شمشیرها انسان را به بردگی و غلامی می‌کشد و سرانجام انسان را به دوزخ می‌افکند. پیغمبر اکرم (ص) درباره ثواب مبارزان راه خدا فرمود: وقتی که مجاهد فی سبیل الله بر اثر تیر دشمن از اسب بر زمین افتد، هنوز پیکر پاکش نقش بر زمین نشده که خداوند متعال فرشته‌ای را به استقبال روحش می‌فرستد و او را به بهشت و نعمت‌ها و کرامت‌هایی که برایش مهیا شده است بشارت می‌دهد. وقتی که پیکر پاکش نقش بر زمین شد فرشته الهی به او می‌گوید آفرین بر تو ای روح پاک که از بدن پاک خارج شدی، برای تو مقام و منزلتی است که هرگز چشمی آن را ندیده و گوشی آن را نشنیده و به قلب کسی خطور نکرده است.

### ایثار و شهادت در نهج البلاغه

امام علی (ع) در آخرین روزهای زندگی و کمتر از یک هفته مانده به ضربت خوردن، برای شروع پیکار مجدد با معاویه سخنرانی هیجان‌انگیزی نمود، در این سخنرانی امام برای تقویت روانی ارتش خود و آماده ساختن آن‌ها برای فداکاری و پیکار صفین سخن فرمود: بندگان نیک خدا در ایام تیره‌روزی مسلمین، با تصمیم شهادت عزم کوچ کردن از این جهان نمودند و اندکی از دنیای ناپایدار را به بسیاری از آخرت جاوید فروختند. برادران ما که در صفین، خون‌هایشان به زمین ریخت زیان نکردند زیرا که دیگر امروز نیستند تا شربت تلخ اندوه‌ها و ناروائی‌ها را بیاشامند. به خدا قسم که آنان خدا را ملاقات کردند و خداوند پاداش آن‌ها را به‌طور کامل داد و به جایگاه آرامش پس از بیمشان برد. (شرح ابن ابی الحدید جلد ۱۰: ۹۹).

### شهید و شهادت در شعر اسلامی

در دوره اسلامی آن اغراض و مفاهیمی که با تعالیم آئین جدید در تضاد بود مهجور ماند. غزل مادی، فخر کاذب، هجای گزنده و اغراض دیگر که از آن بوی لهُو و لهُب به مشام می‌رسید به انزوا رفت. در عوض دعوت به اسلام و احتیاج با مخالفان و هجو ایشان، رثای شهدای غزوه‌های رسول و فتوحات، فخر به پیروزی مسلمانان، مدح، حکمت و وعظ و شعر زهدی با الگوپذیری از اسلام رواج یافت. (خفاجی، ۱۹۹۲: ۲۹۸-۲۹۷) هم چنان‌که اشاره به حوادث تاریخی، گرایش ادبیات را به سمت، واقع‌گرایی سوق می‌دهد. به مدد قرآن، این مفاهیم بلند، شعرایی چون حسان بن ثابت، کعب بن زهیر و عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک را در صف مدافعان پیشگام از حریم اسلام قرار داد که با شعرای مشرکی چون زبیری، ابو سفیان، عمر بن العاص و ضرار بن خطاب با سلاح زبان به مقابله برخیزند. (عزام؛ ۱۹۸۹: ۱۲۳) حسان مشهورترین شاعر مدافع حریم اسلامی و نبوی است. گفته می‌شود اولین اشعاری که بر زبان وی جاری گردید همزیه وی می‌باشد. او در بخشی از این قصیده خطاب به ابوسفیان بن حارث می‌گوید: تو هجای محمد کنی و من پاسخ دهم و پاداش در نزد خدا ثابت است. آیا هجای او کنی در حالی که هم‌شان او نباشی. پس از بین شما دو تن بدترین

شما فدای بهترینتان باد. پدر من و پدر پدر من و آبرویم، اعتبار و آبروی محمد را ضامن گردد. (دیوان، ۹: ۱۹۸۷) شعر دوره اسلامی آنگاه که به مسئله جنگ‌ها، درگیری‌ها و فتوحات می‌پردازد از یکسو اشعار حماسی دینی را می‌آفریند و از سوی دیگر جایگاه ادبیات متعهد را در عرصه ادب عربی مستحکم‌تر می‌گرداند. در این عرصه رثای شهدای کارزارها و فتوحات حجم عظیمی از شعر صدر اسلام را به خود اختصاص داده است. هم‌چنان‌که شیعه در شهادت امامان و اعوان و انصار و محبان اهل بیت اشعاری جان‌گداز سروده‌اند که سراسر حاکی از اندوه و محبت و اخلاص و دریغ بر حق ازدست‌رفته و مذمت باطل مدعی حق می‌باشد. ابوالاسود دؤلی یار وفادار امام علی (ع) آنگاه که حضرتش به شهادت می‌رسد دررثایش می‌سراید: الا ابلغ معاویه بن حرب فلا قرت عیون الشامینا أفی شهر الصیام فجعتمونا بخیرالناس طرا أجمعینا؟ هان به معاویه پسر حرب بگو که هرگز دیده ملامت گرانمان مسرورمباد. آیا در ماه رمضان ما را داغدار بهترین خلق نموده‌اید؟

### سخنان بزرگان

استاد شهید مطهری می‌نویسد: «شهادت واژه‌ای است که در اسلام قداست خاصی دارد، در عرف خاص اسلامی هاله‌ای از نور این کلمه را فرا گرفته است. این کلمه در همه عرف‌ها توأم با قداست و عظمت است، چیزی که هست معیارها و ملاک‌ها متفاوت است. از نظر اسلام هر کس به مقام و درجه شهادت نائل آید، یعنی واقعاً در راه هدف‌های عالی اسلامی، به انگیزه برقراری ارزش‌های واقعی بشری کشته بشود به یکی از عالی‌ترین و واقعی‌ترین درجات و مراتبی که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود، رسیده است. شهید کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود محیط را برای دیگران مساعد می‌کند. مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوختن، فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند. آری شهدا شمع محفل بشریت‌اند. آنان که هستی خویش را برای وصال دوست، مهیا کرده‌اند، از دام‌های منیت رهیده و شیطان را در بند کشیده و او را به یأس کشانده‌اند.» (مطهری: ۷۲-۸۴) شهید مطهری (ره) در خصوص

نقش اجتماعی شهید می‌گویند: درسی که مردم باید از شهادت شهید بگیرند این است که اولاً نگذارند آن‌چنان زمینه‌ها پیدا شود، از آن‌جهت آن فاجعه‌ها به صورت یک امر نایستی بازگو شود که به قهرمانان ظلم و تجاوز و قاتلین شهید مربوط است، برای اینکه افراد جامعه از تبدیل شدن به امثال آن جنایتکاران خودداری کنند. علامه طباطبایی (ره) حیات شهید را نوعی حیات حقیقی دانسته، می‌نویسد: «ممکن است مراد به حیات در خصوص شهدا این باشد که تنها این طایفه حیات برزخی دارند و این معنا را بسیار از معتقدین به معاد جاهل‌اند، هر چند هم بسیار از آن آگاه باشند و سخن کوتاه اینکه مراد به حیات در آیه شریفه، حیات حقیقی است» (علامه طباطبایی، ۲۵۴ ج ۲). شهید از آن‌جهت که زنده است و صاحب حیات به تعبیر روشن‌تر، حجاب‌های تعینی را کنار زده و در حضرت لاتعین در موقعیت احاطه بر تعین وارد شده و از لاتعین به تعین می‌نگرد، محیط بر تعین خواهد بود (مولوی، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۹). گرامی باد بر ملت بزرگ ایران و بر پیروان شاهد بزرگ، حضرت محمد (ص)، وجود رادمردانی که راه شهادت را برگزیده‌اند، در هجرت از زندگی عالم ادنی و جهان سفلی به وادی ایمن و ملکوت اعلیٰ رسیده‌اند و در جستجوی حیات، سرچشمه را یافته‌اند و سیراب و سرمست از جرعه «ارجعی الی ربک» به رویت جمال و کشف رضایت حق نائل آمده‌اند «و کفی بهم فخرا» (امام خمینی (ره) ۱۳۷۵: ۱۹-۴۴) امام خمینی (ره) در توضیح این جایگاه رفیع فرموده‌اند: مقام عنایت جایگاهی است که کلیدهای غیب در آن است و جز خدای تعالی بدان‌ها دست نیابد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ۱۶۴) بنابراین در مقام «عند ربهم» است که هیچ حائلی میان انسان و خدا وجود ندارد و در واقع، اتصال به مقام ربوبی و لقاء الهی است که در نهایت کمال انسان و قرب الهی است و عرفا درباره آن گفته‌اند: قرب عبارت از سیر قطره است به جانب دریا و وصول به مقصود حقیقی و اتصاف به صفات الهی و یا اینکه قرب آن است که هر چه پیش آید از میان برداری و آنچه حائل میان محب و محبوب است برطرف کنی. (لایحی، ۱۳۷۷: ۳۰ و ۳۰۵) شرف بزرگ شهدای در راه حق، حیات «عند الرب» و ورود در ضیافت الهی است. این حیات و این روزی، غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این «لقاءالله» و ضیافت الله می‌باشد. شهدا شمع محفل دوستانند، شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان عند ربهم یرزقون‌اند و از نفوس مطمئن هستند

❖ که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» پروردگارند، این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش برخورد می شکافد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۳۶ و ۴۱).

### ایثار و فداکاری بین اقوام مختلف

از زمانی که نآدمیت های آدم بر شاخسار جذاب و ساقه های فریبنده شجره ممنوعه نشست، از وقتی که آدم با گناه نخستینش اسباب هبوط و فرودش را در دنیا فراهم نمود و با سکنايش بنیانگذار زندگی جدید و تازه در عالم سفلی شد ابلیس برای انتقال و عمل به سوگندش با فریفتن قابیل طعم تلخ عصیان و شرمندگی را در کام مصیبت زده آدم ریخت. از اینجا بود که زشتی ها و زیبایی ها شکلی اسطوره ای به خود گرفتند تا اهریمنان را به ابلیس و قابیل و مجاهدان ایثارگر فرشته خود را به هاییل و شهادت فرا خوانند بی شک آدمی با فطرت میل اجتماعی که در نهاد دارد از همان لحظات آغازین که گروه های کوچک شکل های قوی تر و بزرگتری به خود گرفتند، زیستن و بودن در جمع و قرار گرفتن در جماعت سبب شد که حماسه ها، جانفشانی ها، ایثارگری های شکیلی و چالاکي، دهاکي و جسارت و جرات های جمیل افراد برتر آن قبیله و اجتماع برای همه ستودنی، شنیدنی و غرورآفرین شود. بر اثر همین حماسه ها و از خودگذشتگی ها و به دلیل آرامش و نجات دیگران و مقاومت در برابر متخاصمین کتاب قطور قهرمانان حماسه ساز تاریخ ملت ها شکل گرفت؛ و این گونه آن قهرمانان راستین سرمشق و الگویی برای جوانان و دیگران شدند و در قبیله ها و طایفه های متفاوت به صورت های متنوع و گوناگونی ظهور یافتند. در یونان باستان زنان به جهت زاییدن مردان نیرومند و قوی و پرورش مردان سلحشور شکست ناپذیر از احترام خاصی برخوردار بودند، آنچنان که «لوکورگوس» معتقد بود که: برای به دنیا آوردن مردان نیرومند و پرورش بی ضعف و فتور آنان زنانی سخت کوش و آبدیده لازم است نمونه دیگر آن ظهور شوالیه های اروپا است؛ اینان که گروهی از نجیب زادگان اروپایی قرون وسطی در هنگام جنگ های صلیبی بودند که دارای آداب و رسوم جوانمردانه ای بودند. این عده در آن قرون، مظهر قهرمانی، نیکوکاری و شجاعت به شمار می رفتند، در هند کشتاریاها بودند که همزمان با ساسانیان در ایران به قدرت رسیدند. اینان نیز یک طبقه از حکمرانان و نظامیان حکومتی



بودند که پادشان از این طیف انتخاب می گردید، این گروه در هندوستان علیه حکومت های خارجی که بر کشورشان سلطه داشتند قیام می کردند و تحت عنوان جهاد مقدس عده بی شماری را با خود توانستند همراهی کنند، به طوری که رشادت اینان نسل به نسل هم چنان روایت می شد. همچنین بودا به عنوان انسانی نیرومندی منجی و مراد بشریت همواره پیشوایی برای هندوهای نیکوکار آیین پرست است. در نظام ژاپن ساموراییها به وجود آمدند؛ سامورایی نامی بود که بر شهسواران نظام فئودالیتیه در ژاپن اطلاق می شد. این طبقه که از اشراف به شمار می رفتند در جنگ های داخلی قرن دوازدهم میلادی پایه گذار قیام مردمی علیه نظام حاکم بر ژاپن بودند و مردمان آنها را به خاطر مقابله با ظلم حاکمان و مبارزه خستگی ناپذیرشان دوست می داشتند. در چین کنفوسیوس (تولد ۵۵۱ ق، ۴۷۹ ق) به عنوان یک مصلح و الگو و پیشوای اجتماعی به حمایت از مردمی که از جور امیران جنگ طلب خون آشام مورد ظلم و ستم واقع می شدند برخاست. پیروان و مریدانش راه و روشش را انتشار دادند و از او یک الگو و یک قدیس تاریخی ماندگار ساختند. این گونه است که آن قهرمانان محبوب، اطاعت و اعتقاد راسخ و پابرجای مردم را نسبت به خویشان برانگیختند. به نظر می رسد که نیاز به این قهرمانان جزء لاینفکی از زندگی انسانی شده است، چرا که ستودن آیین سلحشوران و پهلوانان و از خود گذشتگان و جنگاوران نیک نام دلیر در همه مذاهب و سنن دنیا پذیرفته و ستودنی از آن یاد شده است. «آدلو» یکی از روانشناسان تربیتی غرب بیان می کند: از بزرگترین مایه های تربیتی روح بشر که انسانها را از مرحله پست به مراحل متعالی در راه فضایل بزرگ کشانده اعتقاد داشتن به انسان های برجسته (ابرمردها) بوده است. آن همه انتقاداتی که به اعتقاد داشتن و پیروی از نظام قهرمانان دارند در جاهای بسیاری از سخنان خویش قهرمانان را می ستایند؛ اما وقتی که حماسه قهرمانی و جانبازی و ایثار در فرهنگ ناب اسلامی مطرح می شود رنگ و بوی متفاوت و متغایر با دیگر اندیشه ها و نگرش های دیگران پیدا می کند. در این فرهنگ، هدف و مقصود و انگیزه رزمنده و مجاهد در قالبی الهی ریخته می شود تا ارزشمندی یک حماسه و ایثار مشروط به فی سبیل الله بودن، برای خدا قیام کردن و خدایی شدن صورت پذیرد و اینجاست که همه حرکتها در راستای قرب الهی مقدس و قابل تکریم می شوند.

## ❖ اهمیت نسل جوان

ویژگی ها و استعدادهای نهفته در وجود جوانان، مناسب ترین زمینه برای طراحی و ایجاد هرگونه تغییر و تحول فردی و اجتماعی است بطوریکه چرخ های کثیری از انقلاب ها و تحولات توسط این گروه به حرکت درآمده و سرعت می گیرد. کنکاش در تاریخ ملل مختلف و از جمله جریانات حاکم بر ایران در یکصد سال گذشته مؤید این ادعاست. بخش انبوهی از بازیگران و نقش آفرینان حوادث مختلف و امکانات و انرژی های بسیاری مصروف و جذب و هدایت آنان به سمت اهداف معین (اعم از اهداف مثبت یا منفی ارزشی و ضد ارزشی) شده است نکته مهم اینکه «جوانان بیش از بزرگسالان به ارزش های فرامادی اعتقاد دارند و این تفاوت ارزشی جوانان و بزرگسالان ناشی از تفاوت تجربه و اجتماعی شدن آنها باشد» در اسلام به جوانان توجهی خاص مبذول شده است. حضرت محمد (ص) می فرماید: توصیه ی من به شما این است که نیکی به جوانان را از یاد نبری امروزه پاسداری از خون شهیدان و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به همت جوانان غیرتمند و آزاده متکی است. عبور از سال های سخت جهاد و مقاومت و الگوی کامل و سنت مطلوبی است که جوانان را به آینده درخشان و امید بخش و افق هایی روشن دلگرم می سازند (دبیرخانه شورای عالی جوانان، ۱۳۶۸)

## نسل جوان مهم ترین گروه مورد نظر استعمارگران

از دیرباز، دشمنان انسانیت، هرگاه می خواسته اند جامعه ای را به انحطاط و تباهی بکشند، بیشترین توجه خود را به نسل جوان جامعه معطوف می کردند، زیرا این قشر جامعه هستند که می توانند به علت استعدادها و نیروها و تحرک خود، شرایط موجود را متغیر سازند و اجتماع آینده را به کمال و سعادت افزونتر یا به انحراف و انحطاط بیشتر برسانند. پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز رسالت خود، با توجه به نقش و اهمیت جوانان در جامعه، سعی داشت با تهذیب و تشویق هر چه بیشتر نسل جوان، بر تحکیم پایه های اصیل اجتماع اسلامی بکوشد و بدین سبب نمایندگان و فرماندهانی را از سوی جوانان برای اداره ی امور انتخاب می کرد که در راس همه آنان، امیرالمومنین علی (ع) قرار داشت که در بسیاری از نبردها، نقش عمده

را بر عهده می‌گرفت. امامان گرانقدر اسلام نیز، در برنامه های خود، به جوانان توجه بیشتری مبذول داشته و اصحاب جوان خود را در راه کسب علم و مبارزه با ستمگران، بسیار تشویق می‌کردند. در انقلاب اسلامی ایران نیز، که حماسه ی بزرگ قرن است و به یاری خدا، زمینه ساز انقلاب جهانی اسلام، حضور جوانان و رشادت و فداکاری و ایثار آنها یکی از ارکان مهم پیروزی انقلاب و حفظ ارزش های اصیل بوده است. به گفته امام خمینی: «این جوان های ما بودند که فریاد زدند و مشتشان را گره کردند و «الله اکبر» گفتند. اگر فرض کنید که جوان های ما، خدای نخواستہ، مبتلا به هروئین بودند، می توانستند این کار را بکنند؟ آدم وافوری می تواند بلند شود و در خیابان مشتش را گره کرده و جنگ کند؟» بنابراین، مستکبران شرق و غرب، همه تلاش خود را، برای به انحطاط کشاندن جوامع، بر روی جوانان آنها متمرکز ساخته و به منظور تخدیر افکار و انحراف آنان، به سرمایه گذاری های کلان در زمینه اشاعه فحشا، اعتیاد، مراکز قمار و... پرداخته‌اند؛ زیرا شکی نیست که جامعه آلوده به فساد و اعتیاد به مواد مخدر، هیچ‌گاه قادر نخواهد بود از منافع و حقوق خود دفاع کرده و اساساً شناخت کاملی نسبت به آن پیدا کند (اداره امور تبلیغی، ۱۳۶۲: ۱۶).

### اهمیت معرفی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بین نسل جوان «از دیدگاه امام خمینی (ره)»

منش و دیدگاه‌های به جای مانده از آن مرد بزرگ حضرت امام خمینی (ره) همچون سرمایه گرانقدری روی مردم ما و همه جویندگان راه حق و فضیلت، به‌خصوص جوانان و نوجوانان موحد و مسلمان است. آن حضرت پیرامون شهادت طلبی سخنان زیادی به یادگار گذاشته که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) منطق قرآن آن است که ما از خداییم و به سوی او می‌رویم: مسیر اسلام، شهادت در راه هدف است و اولیای خدا (ع) شهادت را یکی پس از دیگری به ارث می‌برند و جوانان متعهد ما برای نیل به شهادت، در راه خدا درخواست دعا می‌کرده و می‌کنند.

ب) شهادت سعادت جوانان و رمز پیروزی: جوان های ما شهادت را سعادت می دانند. این رمز پیروزی آنهاست.

ج) جوانان شهادت طلب: جوان‌های ما شهادت را می‌خواهند. همین امروز هم که من این بیرون ایستاده بودم یک جوان برومندی فریاد می‌کرد از آنجا که شما دعا کنید که من شهید بشوم.

د) استقبال از شهادت: جوانان ما شهادت را استقبال می‌کردند همان‌طور که در صدر اسلام سربازهای اسلام شهادت را استقبال می‌کردند.

### فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله خامنه‌ای فرمانده ی معظم کل قوا، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای درخصوص فرهنگ ایثار و شهادت می‌فرماید: پاسدارانقلاب اسلامی، آگاهانه راه حسین(ع) را که ادامه راه انبیاء الهی است، انتخاب می‌کند و در این راه، فروغ خون حسین(ع) و شهیدان گلگون کفن کربلا را چراغ راه خویش قرار می‌دهد (پیام رهبری به سمینار سراسری سپاه، ۱۳۶۲) آیت الله خامنه‌ای در سخنرانی در جمع فرماندهان و بسیجیان لشکر ۲۷ محمدرسول الله (ص) فرمودند: درس‌های عاشورا جدا است، درس شجاعت و درس چه و درس چه؛ از درس‌های عاشورا مهمتر؛ عبرت‌های عاشورا است.

### دیدگاه رهبر انقلاب پیرامون اهمیت و نقش ترویج و معرفی فرهنگ ایثار و شهادت در

#### بین نسل جوان

نسل جوان هر کشور یکی از بزرگترین سرمایه‌های آن کشور محسوب می‌شود. جوانان استعدادها و امتیازاتی دارند که نقطه امید و نیروی محرکه و مبتکر ملت به حساب می‌آیند. این امتیازی است که ملت ایران بیش از سایر کشورها از آن برخوردار است. رهبر انقلاب اسلامی از جوانان به عنوان «یک نعمت الهی» و «مرکز نیرو و امید و ابتکار عمل و در جایی دیگر آنها را میراث گرانقدر حضرت امام خمینی (ره)» و «فتح الفتوح آن حضرت» یاد می‌فرماید. رهبر معظم انقلاب اسلامی جوانان را به زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای عزیز انقلاب و جنگ تحمیلی و تکیه بر عظمت، شجاعت، تقوا و طهارت آنان و مطالعه وصیت‌نامه شهدا دعوت کرده و آن را موجب تحول معنوی و حقیقی جوانان می‌داند نباید

پنداشت که با گذشت دوازده سال از پیروزی و دو سال از پایان جنگ تحمیلی، خاطره شهادت عزیز انقلاب و جنگ کمرنگ شده و از یادها زوده خواهد شد و به عکس، تصویر آن چهره‌های مقدس، در هاله‌ای از نور و طهارت، روز به روز باید در ذهن ملت ما با عظمت تر و چون چهره‌های اسطوره‌ای قهرمانان بزرگ، محبوب‌تر و رفیع‌تر گردد و نام آن‌ها و یاد آن‌ها به همه، مخصوصاً جوانان و نوجوانان درس عظمت و شجاعت و تقوا و صفا و طهارت بدهد و خواهد داد. بخش مهمی از این کار وظیفه نویسندگان و هنرمندان است. البته دوران جنگ و شرایط خاص آن روزها برای عده‌ای از جوانان این مملکت یک انقلاب معنوی و حقیقی به وجود آورد. این وصیت‌نامه‌های شهدا که امام (ره) توصیه به مطالعه آن می‌کردند به خاطر این است که هرکدامش نمایشگر انقلاب یک نفر آدم است درجای دیگر شهیدان را مایه عظمت ایران و اسلام معرفی می‌فرمایند. اگر شما جوانان در دوران جنگ تحمیلی به جنگ نمی‌رفتید و به جبهه خدمت نمی‌کردید شهادت را به خود نمی‌پذیرفتید، امروز ایران و اسلام به این عظمت نبود و در فرازی دیگر جوانان بسیجی شهدا و جانبازان را الگوهایی فرا راه جوانان می‌دانند که بایستی شناخته شده و راهشان برای آن‌ها تبیین شود: در زمان خودمان هم الگو داریم، امام الگوست. این جوانان بسیجی ما الگو هستند.

### چگونگی گسترش فرهنگ ایثار و شهادت در نسل جوان

فرهنگ ایثار و شهادت را در صورتی می‌توان در بین اقشار مختلف جامعه و به‌ویژه نسل جوان، که به دلایل مختلف جامعه‌شناختی و فرهنگی در معرض انواع تهاجمات قرار گرفته‌اند، تقویت نمود که اصول تربیتی و روان‌شناختی موضوع را مدنظر قرار داد. یکی از بهترین راهبردهای تقویت این فرهنگ، معرفی اسوه‌های موجود در آن است. اسوه، عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یابد برای انسان فراهم آید (باقری، ۱۳۷۹: ۱).

با معرفی و ارائه اسوه، نمونه رفتار و کردار مطلوب در معرض دید فراگیر قرار می‌گیرد و موقعیت او دگرگون می‌شود تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی، در خود پدید آورد. معلم باید حالات مطلوب فراگیر را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، به او نشان دهد، این کار

اساساً در شرایط واقعی اجتماعی مدنظر است ولی حاصل آن این است که شخصیت‌های تاریخی نیز الگوی عمل محسوب می‌شوند. در قرآن این روش به کار گرفته شده است، که گاهی در آیات مستقیماً به پیروی از کسی تصریح می‌شود و گاه بدون چنین تصریحی، اسوه‌ها در معرض دید گذاشته می‌شوند (باقری، ۱۳۷۹: ۱، ۲). بر اساس این روش، می‌توان ارزش‌های مورد نظر و از جمله فرهنگ ایثار و شهادت را با ایجاد بصیرتی نو در دانش‌آموزان، به آنان معرفی نمود. راهبرد دیگر در زمینه تقویت فرهنگ ایثار و شهادت در بین دانش‌آموزان، ایجاد احساس خودباوری مذهبی و ملی در آنان است. خودباوری اصطلاحی است که امروزه در جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی به کار می‌رود و منظور از آن یک حالت مثبت روحی و روانی است که در نتیجه احساس ارزشمندی در نفس انسان پدید می‌آید و او را آماده می‌سازد تا از طریق بهره‌گیری از لیاقت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد به انجام وظایفی که بر عهده اوست، قیام نماید و در این راه، از مشکلات و موانعی که پیش می‌آید هراسی به دل راه ندهد. از این حالت روحی در فرهنگ اسلامی با تعبیری چون علو همت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و ... یاد می‌شود. در واقع، خودباوری، باور به استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای نهفته فطری درونی است که با اتکاء به آن، می‌توان به اهداف مورد نظر در زندگی رسید و به آنان جامه عمل پوشاند و مرحله عالی خود باوری، شکوفایی همه استعدادهای بالقوه فرد است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۱۶۶-۱۶۷) خود باوری ملی، در مقابل از خود بیگانگی و خودباختگی ملی مطرح می‌شود. گاهی افراد یک جامعه در اثر ناآگاهی یا تحت تأثیر تبلیغات سوء و جذاب دشمنان، به سنت و باورهای ملی و فرهنگی خود پشت می‌کنند و از نمادها و ارزش‌های رایج در جوامع دیگر پیروی و تقلید می‌کنند. این کار به تدریج، راه نفوذ و تسلط همه‌جانبه بیگانگان را در عرصه‌های مختلف آن جامعه هموار می‌سازد. در نهایت، کیان و استقلال آن جامعه را با خطر جدی مواجه می‌سازد. در تاریخ جوامع اسلامی به نمونه‌های زیادی از این‌گونه جامعه‌ها برمی‌خوریم. ترکیه دوران آتاترک و حتی ترکیه امروز در مقابل غرب و ایران دوره رضاخان و بسیاری از جوامع دیگر، مصداق روشنی از مردمی هستند که به خود باختگی ملی گرفتار آمده‌اند. بنابراین، اگر افراد جامعه‌ای خواهان پیشرفت و تعالی هستند باید از طریق اصلاح نظام آموزشی و تربیتی جامعه و

بازنگری در باورها و ارزش‌های فکری و فرهنگی به‌جای مانده از گذشته، تمام این‌گونه اوصاف و ویژگی‌های نادرست فکری و اخلاقی را اصلاح نمایند و به یک انقلاب فکری و فرهنگی، به‌ویژه در سطح اندیشه و اعتقادات نسل جوان دست بزنند. آن‌گاه از طریق احیای ارزش‌های اصیل و حیات‌بخش روح اعتماد به نفس و خودباوری را در وجود این قشر، که مهم‌ترین سرمایه جوامع محسوب می‌گردند، شکوفا ساخته و حفظ و استمرار خواهند بخشید. دفاع مقدس و شهدا در این زمینه نقشی اساسی ایفا می‌کنند، به‌شرط آنکه کسانی از قبیل معلمان کشور با نحوه ایجاد خودباوری در جوانان آشنا بوده و از طریق این احساس، فرهنگ ایثار و شهادت را تبیین و ترویج نمایند. ارائه و معرفی جلوه‌های زیبای وصیت‌نامه‌های شهدا به دانش‌آموزان، راهبرد مهم دیگر در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت است. وصیت‌نامه‌های شهدا از بهترین اسناد مکتوب دوران جنگ تحمیلی است که علاوه بر استفاده تاریخی از آن‌ها می‌توان نمونه‌های عالی ارزش‌ها را در آن‌ها یافته و به نسل جدید معرفی نمود. از آنجاکه این وصیت‌نامه‌ها بیان‌گر حس و حال واقعی شهدای دفاع مقدس می‌باشند، تأثیر شگرفی در تقویت فرهنگ ایثار و شهادت دارند. متأسفانه در کتب درسی از متون وصیت‌نامه شهدا هیچ استفاده‌ای نشده است که به نظر می‌رسد، بسیار به‌جا و شایسته است که وزارت آموزش و پرورش به نحوی شایسته و جذاب از این اسناد با ارزش برای معرفی هر چه بیشتر فرهنگ ایثار و شهادت استفاده کند. مسلماً این کار کمک بزرگی به معلمان خواهد نمود تا ارزش‌ها را به دانش‌آموزان معرفی نمایند. تشویق و دعوت دانش‌آموزان به تحقیق و بررسی در کتب و مقالات مربوط به شهدا از راهبردهای مهم تقویت فرهنگ ایثار و شهادت است. امروزه ثابت شده است که انجام تحقیق و مطالعه از سوی دانش‌آموزان، یکی از بهترین راه‌های تفهیم موضوعات مختلف به آن‌هاست. متأسفانه انجام تحقیق و پژوهش در سیستم آموزشی ما از جایگاه مهم خود برخوردار نیست و معلمان به تأثیر آن آگاهی کامل ندارند. تحقیق یک فعالیت منظم، منسجم و با روش سنجیده‌ای است در جهت رسیدن به هدف و کشف حقیقت است (کاردان، ۱۳۷۷: ۸). تعاریف مختلفی از تحقیق شده است ولی به نظر می‌رسد می‌توان گفت تحقیق فرآیندی است که از طریق آن می‌توان درباره ناشناخته به جستجو پرداخت و نسبت به آن شناخت لازم را کسب کرد، در

این فرآیند از چگونگی گردآوری شواهد و تبدیل آن‌ها به یافته‌ها، با عنوان روش‌شناسی یاد می‌شود. رسالت اصلی تحقیق، به‌کارگیری روش‌ها برای انجام نظریه‌سازی است. برای اینکه پژوهش در آموزش و پرورش نهادینه شود باید به ایجاد روحیه پژوهشگری، اعطای قابلیت‌ها و مهارت‌های لازم پژوهشی و همچنین اعطای فرصت به دانش‌آموزان جهت انجام پژوهش همت گماشت. برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای متحول شود که به دانش‌آموزان در دستیابی به این اهداف یاری رساند. خوشبختانه کتب و مقالات زیادی در زمینه ایثار و شهادت نگاشته و چاپ شده است. در این میان غنی‌سازی کتابخانه‌های مدارس از این جهت و ارائه این کتب به دانش‌آموزان از طریق کتابخانه‌ها حائز اهمیت است. از آنجاکه مقالات بسیاری نیز در زمینه ایثار و شهادت در اینترنت منتشر شده است، از یکسو فراهم آوردن امکان استفاده دانش‌آموزان از این پدیده مفید علمی و از سوی دیگر آموزش نحوه استفاده از اینترنت و منابع مفید آن، می‌تواند در تقویت این فرهنگ مفید و مؤثر باشد. تحلیل و بررسی فرهنگ ایثار و شهادت در طول تاریخ برای دانش‌آموزان هم می‌تواند تا حد زیادی در این زمینه کارگشا باشد. هر حادثه تاریخی نیاز به تحلیل تاریخی نیز دارد. این تحلیل به‌ویژه پس از پایان یافتن آن حادثه و برای معرفی بیشتر آن به کسانی که در زمان وقوع حادثه، حضور یا وجود نداشته‌اند حائز اهمیت است. در مورد فرهنگ ایثار و شهادت این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه موارد زیادی مبنی بر ایجاد شبهه در این فرهنگ و زیر سؤال بردن آن مشاهده می‌شود. این شبهه‌ها از سوی کسانی دامن زده می‌شود که با انقلاب اسلامی و مبانی آن مخالفت می‌ورزند و بیشتر نیز سعی در انتقال این شبهه‌ها به مراکز فرهنگی کشور مثل مدارس و دانشگاه‌ها دارند. در این میان وظیفه معلمان بیشتر از دیگر اقشار جامعه مهم به نظر می‌رسد و آن‌ها باید به‌خوبی با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا بوده و این آشنایی خود را از طریق بیان ساده و شیوا به دانش‌آموزان منتقل نمایند.

### بازشناسی مبانی دینی فرهنگ ایثار و شهادت برای نسل جوان

فداکاری و ازخودگذشتگی، یک ارزش جهانی و فرامذهبی است. همه انسان‌ها نسبت به افرادی که با شجاعت در مقابل ستم قد برافراشته‌اند و تن به ذلت و خواری نداده‌اند، ادای



احترام کرده و آنان را ستایش می‌کنند. حتی افراد ناتوان و زبونی که جرئت اظهار وجود در برابر ستم و یارای مخالفت با ستمگری نیافته‌اند، نسبت به انسان‌های قهرمان و مقاوم ابراز احترام می‌کنند. پیامبر عزیز اسلام (ص)، قبل از بعثت در پیمان حلف الفضول که فلسفه آن دفاع از مظلومان و ستمدیدگان بود شرکت کرد. چون به رسالت مبعوث شد، فرمود: در خانه عبدالله بن جدعان، شاهد پیمانی بودم که اگر مالک همه شتران سرخ مو بودم، مرا چنین شادمان نمی‌کرد و اگر در اسلام نیز کسی بر این اساس از من یاری بطلبد آماده یاری او هستم (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). حملات انتحاری مجاهدان گمنام مسلمان، علیه صهیونیست غاصب و زورگو، بدون ملاحظه سن و جنس قهرمانان آن، مورد تقدیر و تحسین همه حق‌طلبانه جهان است. ایثار و شهادت، جایگاه فوق‌العاده ارزشمندی در فرهنگ دینی دارد. آنچه کرامت و عزت انسان را تثبیت و تقویت می‌کند و روح متلاطم و پویای او را به نهایت کمال و اوج تعالی رهنمون می‌شود، در این حقیقت متجلی است. ایثار و شهادت، منشأ تربیت انسان جاودانه و جاودانگی انسان است و حقیقت وجود او را تبیین و تفسیر می‌کند. برخی از مبانی، این حرکت عمیق انسانی در فرهنگ دین، عبارت‌اند از:

الف) از اوایی و به‌سوی اوایی: در نگرش الهی، انسان مورد عنایت خاص خداوند است. حضرت حق تعالی او را برای معرفت نسبت به خویش و عبودیت در برابر خود آفریده است. من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند (ذاریات / ۵۶). عبودیت نهایت و اوج تکامل انسان و قرب او به خدا است. عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام برندارد و هر چه غیر او است را فراموش کند، حتی خویشتن را. (مکارم، ۲۲: ۳۸۷) بر مبنای فرهنگ «ازوایی و به سوی اوایی» انسان پیوسته آماده حضور در آزمون‌های دشوار است و چون سنگی گران‌بها از کوره آزمون‌های سخت می‌گذرد تا گوهر خالص و ناب وجودش آشکار گردد. آنان که به ندای خیرخواهانه پس به کجا می‌روید؟ (تکویر / ۲۶) و دعوت آسمانی پس به سوی خدا بگریزید اعتنا نمی‌کنند (ذاریات / ۵۰)، در مواجهه با حوادث سهمگین قیامت به دنبال راه فراری می‌گردند. آن روز انسان می‌گوید راه فرار کجاست؟ (قیامت / ۱۰) و پاسخ می‌شوند: هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد (قیامت / ۱۱) -

۱۲) آن روز، قرارگاه نهایی تنها به سوی پروردگار تو است. شکوه به سویی اویی آنگاه به نهایت می‌رسد که بانگ می‌زنند: حکومت امروز برای کیست؟ و همه ناگزیر فریاد می‌زنند: برای خداوند یکتای قهار است. (غافر/۱۶)

ب) کرامت و منزلت انسان: انسان‌ها دو گونه‌اند: عده‌ای زبون، ذلیل و خودباخته‌اند و با سستی و تن‌پروری به پرواز کردن جسم خود می‌پردازند و با هر طعمه‌ای می‌سازند و در هر مزبله‌ای رحل اقامت می‌افکنند؛ و هرگز خود را برای رویارویی با موانع تکامل مهیا نمی‌کنند و بر زمین چسبیده‌اند. قرآن کریم آنان را توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید! بر زمین سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (توبه / ۳۸) اینان از اوج شکوه به کنج ذلت خزیده‌اند و هویت و شخصیت عظیم انسانی خویش را پاس نداشته و حرمت روح متعالی را نشناخته و خود را موجودی بیپوده و بی‌ارزش پنداشته‌اند؛ و در امور زندگی به طفیلی‌گری تن داده‌اند اما گروه دوم، از لذت معرفت بهره‌مند شده و با چشمان باز پا به عرصه آفرینش نهاده‌اند و در پرتو عظمتی که خداوند به آنان ارزانی داشته و همه موجودات هستی را در برابر اراده آنان رام و مسخر کرده، به بهره‌گیری از لذات معنوی پرداخته و در کشتزار طبیعت در پی به دست آوردن مغز و ریشه نعمت‌های الهی کوشیده‌اند. سبک‌بار و چالاک پا در میدان فداکاری نهاده و رضایت خداوند را بر همه چیز ترجیح داده‌اند و در اوج ندای خوش‌آمد ملائک پا بر عرصه بهشت نهاده‌اند. اینان به عظمتی دست‌یافته‌اند که خداوندی که کمال مطلق و مطلق کمال است و هرگز در وعده‌اش ناراستی و کژی وجود ندارد، خریدار جان آنان است. خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که در برابرش بهشت برای آنان باشد. (توبه/۱۱۱)

ج) پویایی و تکامل انسان: برخی از انسان‌ها، بسان عنکبوت خود را در تارهایی که می‌بافند، زندانی می‌کنند و پیوسته کاخ‌های خیالی خود را برای صید موجودات ضعیف زینت می‌بخشند، غافل از آنکه سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است. اینان زندانی خویش‌اند. طبیعت، جامعه و تاریخ را در قالب ذهن ناتوان خویش تفسیر می‌کنند. اهل هجرت حرکت،

سازندگی، ارتباط با مردم و مشاهده حقایق عالم نیستند؛ اما گروهی از انسان‌ها، اهل حرکت و هجرت‌اند و لحظه‌ای آرام نمی‌گیرند و ایستایی و سکونت را موجب مرگ و خواری می‌دانند. ما زنده از آنیم که آرام‌نگیریم موجب که آرامش ما در عدم ماست. پیوسته می‌کوشند تا گامی به پیش بردارند و با موانع راه بستیزند، هجرت اصل حیاتی و مهم زندگی آنان محسوب می‌شود زیرا تاریخ پرشکوه اسلام با هجرت آغاز می‌شود.

د) نیکوکاری کامل و کمال نیکوکاری: قرآن کریم، بالاترین درجه نیکوکاری را انفاق و گذشت از آنچه موردعلاقه شدید انسان است، معرفی می‌کند و می‌فرماید: هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید. (آل عمران/ ۹۲) و در سوره هل اتی که سند عظمت و شکوه ائمه اهل بیت (ع) است، رمز این عظمت را در انفاق آنچه که مورد علاقه آنان بود معرفی می‌کند و می‌فرماید: و غذای (خود) را باینکه به آن علاقه و نیاز دارند، به «مسکین» و «اسیر» و «یتیم» می‌دهند! (انسان/ ۳۱) بالاترین چیزی که موردعلاقه انسان است، جان اوست. حب نفس یکی از مهم‌ترین عوامل حیات انسان و موجب رقابت، تلاش، خلاقیت است. آنگاه که انسان به اوج عظمت و فداکاری برسد، بهترین سرمایه زندگی که جان اوست را در راه خدا ایثار می‌کند. شهید با خون خود یعنی تمام وجود و هستی خود ارزش، ابدیت و جاودانگی می‌یابد. خون شهید برای همیشه در رگ‌های اجتماع می‌جهد. پیامبر عزیز فرمود: برتر و بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکار دیگری است تا آنگاه که در راه خدا شهید شود، وقتی که در راه خدا شهید شد، دیگر بالاتر از او کسی نیست. (کافی، ۳۴۸/۲) و نیز فرمود: بخیل‌ترین انسان‌ها کسی است که در سلام کردن، بخل بورزد و بخشنده‌ترین انسان‌ها، کسی است که جان و مال خویش را در راه خدا، بذل و ایثار نماید.

ه) مسابقه در نیکی‌ها: دنیا محل رقابت و مسابقه است. انسان فطری و سلیم‌النفس می‌کوشد تا با کسب فضائل اخلاقی، علمی، هنری و... گوی سبقت را از هم نوعان خود برآید. رمز پویایی زندگی آن است که انسان در بروز استعدادها و کمالات خود بکوشد. این انگیزه به قدری قوی است که گاه موجب می‌شود که انسان برای خود فضائل دروغین ادعا کند تا موقعیت و منزلتی برای خود فراهم آورد بدون تردید یکی از زمینه‌های مسابقه جهان، برداشتن

موانع رشد و تکامل معنوی جامعه است و آن نیازمند فداکاری، از خودگذشتگی و ایثار جان و مال و آمادگی برای استقبال از جهاد و شهادت است. انسان در میدان مبارزه حق و باطل برای دفاع از آرمان‌های اصیل معنوی، که بالاترین درجه خیر و نیکی است تلاش می‌کند و با درک شهادت در مغفرت و رحمت الهی غرق می‌شود.

(و) انتخاب مرگ (مرگ آگاهانه): امام علی (ع) می‌فرماید: اگر انسان را از مرگ گریزی نیست، بهتر است که با شمشیر در راه خدا کشته شود. (علی (ع) / ۳۱۵) اگر بدن (انسان‌ها) برای مرگ آفریده شده است، کشته شدن انسان با شمشیر با ارزش‌تر است و تأکید می‌کند که تحمل هزاران ضربه شمشیر، آسان‌تر از پذیرش مرگ در بستر است. (کافی، ۵۳/۵)

همانا بالاترین نوع مرگ، شهادت است؛ و سوگند به کسی که جانم در دست اوست، تحمل هزار ضربه شمشیر، از مردن در بستر آسان‌تر است. شهید با آگاهی از اینکه، میدان جهاد محل فداکاری، از خودگذشتگی و شهادت است، از کام‌جویی مادی دل می‌کند و به میدان ایثار پا می‌گذارد. او تسلیم مرگ نمی‌شود، بلکه مرگ را تسلیم خود می‌کند.

(ز) اخلاص: شهید به تعریف و تمجید دیگران دل نبسته است، یعنی در جامعه حضور فیزیکی ندارد که به ارتقای ظاهری در نظر مردم و کسب اعتبار و شئون فردی دل‌خوش کند. او با نهایت اخلاص و به‌دوراز هرگونه تعلق‌ی جان خویش را تقدیم دوست می‌کند تا به اعتلا و تداوم آرمان‌های معنوی، کمک کند و همین صفا موجب قداست، شهرت و جاودانگی اوست.

یکی از آفات مهم اعمال انسان که موجب تباهی، حبط و زوال اعمال انسان می‌شود و خطرناک‌ترین دشمن انسان، «ریا» است، که همانند موریانه، کارهای نیکوی انسان را از درون تهی می‌کند و همه‌چیز را به آتش می‌کشد. بدون تردید یکی از مصادیق زیانکارترین

چهره‌های انسان قرآنی، ریاکاران هستند. بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین مردم در کارها، چه کسانی هستند؟ آن‌ها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴) باین حال، می‌پندارند کار نیک‌انجام می‌دهند اما شهدا به درجه خلوص رسیده و ازدام شیطان گریخته‌اند. گفت: به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو، از میان آن‌ها. (ص / ۸۲-۸۳) برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند ست

آشیانه (حافظ/ ۲۶۸)

ح) زندگی راستین: در منطق شهید، مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر است و رابطه انسان با جهان و روح با بدن از نوع رابطه کشاورز و مزرعه است. پیامبر عزیز فرمود: دنیا مزرعه آخرت است. (مجلسی، ۲۲۵/۶۷) شهید با مرگ خود به جاودانگی می‌رسد و زندگی خویش را از سطح ظاهری بالا می‌برد. خداوند کریم می‌فرماید: ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند. (آل‌عمران / ۱۶۹) علی (ع) فرمود: به خدا که با مردن، چیزی به سر وقت من نیامد که آن را نپسندم و نه چیزی پدید گردد که آن را نشناسم، بلکه چون جوینده آب به شب هنگام بودم که ناگهان به آب رسد، یا خواهانی که آنچه را خواهان است بیابد و آنچه نزد خداست، نیکوکاران را بهتر است. (شهیدی، ۲۸۴/۲۳) اهمیت شهید به قدری است که آنگاه که پیامبر (ص)، تسبیحات اربعه را به فاطمه زهرا (س) تعلیم داد آن حضرت از تربت حمزه شهید، تسبیح ساخت و با این عمل خود به قداست شهید و جاودانگی او رسمیت بخشید. امام صادق (ع) فرمودند: سجده بر تربت حسین (ع)، حجاب‌های هفتگانه را پاره می‌کند. (آملی، ۳۶۶/۵) اگر انسان ارزش شهید را درک کند، خاک تربت او به نمازش ارزش می‌دهد. راز بقای شهید آن است که حرکت او یک بعد عقلی دارد و از ناحیه منطق حمایت می‌شود و از طرف دیگر در عمق احساسات و عواطف راه یافته است. از این روی ائمه توصیه کرده‌اند تا بر شهادت امام حسین (ع) گریه کنیم، این گریه‌ها، نهضت امام حسین (ع) را در اعماق جان مردم فرومی‌برد.

ط) تأسی به الگوهای جاودانه: انسان موجودی فهران آفرین و الگوساز است. قرآن کریم پیامبر عزیز اسلام (ص) را به عنوان الگوی متعالی بشریت معرفی کرده و می‌فرماید: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود. (احزاب / ۲۱) همچنین حضرت ابراهیم و پیروان واقعی او را الگوی مناسبی برای هدایت جامعه معرفی می‌کند: برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت. (ممتحنه / ۴) این الگوهای جاودانه برای دفاع از حق مردم و پیشبرد آرمان‌های والای الهی از همه چیز خود گذشتند. آزمون‌های سخت الهی را پشت سر گذاشتند تا ارزش‌های والای انسانی را تحقق بخشند. در این میان امام حسین (ع) بنیان‌گذار الگوی کامل و بی‌بدیلی در تاریخ بشریت است. امام

حسین (ع)، سید الشهداء و بالاترین اسوه و مقتدای کسانی است که چون می‌بینند که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی‌آید، بی‌تاب رؤیت حق و ملاقات خداوند می‌شوند و فریاد برمی‌آورند که: من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی و کسالت نمی‌بینم. (مجلسی ۱۹۲/۴۴).

### آموزش و احیای هویت

دغدغه اصلی آنان که درد دین، جامعه و مردم را دارند، این است که برای تغییر وضعیت فعلی و بهبود آن، چه راه کاری وجود دارد تا جوانان، اعتمادشان را دوباره به دست آورند، هویت اصیل و فرهنگ ناب ملی اسلامی‌شان را بازیافته و به اصل خویش بازگردند و بحران فعلی را پشت سر بگذارند. بدون تردید، دین و مذهب، در جهت بازشناسایی هویت انسان از غنا و توانمندی لازم برخوردار است، دین به آدمی می‌آموزد که انسان کیست؟ و انسانیت چیست؟ در واقع دین انسان را متوجه ارزش و کرامت ذاتی او می‌کند و از پوچ‌گرایی، دور ساخته و او را به ادامه حیات امیدوار می‌سازد و با برانگیختن آتش عشق و محبت در وجود وی، انسان را به زندگی سرشار از شور و شغف، استغنا و بی‌نیازی، توأم با تلاش و فعالیت برای خدمت به هم‌نوعان و دوری از کژی‌ها و کاستی‌ها، رهنمون می‌سازد. منتهی برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های الهی و آسمانی و مفاهیم بلند دینی، به تلاش و فعالیت، تعلیم و تعلم و آموزش و پرورش، احتیاج و نیازمند هستیم، چرا که سنگ زیرین ساختمان فرهنگ و هویت افراد هر سرزمینی را نحوه آموزش و ارتباطات آن، رقم می‌زند و هر قدر که اصول آموزشی و ابزار ارتباطی، در جهت انتقال مفاهیم، غنی‌تر و قوی‌تر باشد و در عین حال سطح وسیع‌تری را پوشش دهد، می‌تواند سلامت آحاد جامعه و مردم به‌خصوص نسل جوان را در برابر سیل تهاجمات، حفظ نموده و نسبت به حوادث کشنده و مهلک، بیمه نماید. چراکه انسان اولیه و دست‌نخورده حکم خمیرمایه را دارد و با آموزش‌های لازم و ارتباط با اطرافیان، فرم و شکل خاصی پیدا می‌کند و بدون آموزش و ارتباط به همان حالت اولیه و ابتدایی باقی می‌ماند چنانچه آموزش و ارتباطات هم اگر سالم و سازنده نباشد باز شکل دیگری به خود گرفته و هویتش نیز فرم خاصی پیدا می‌کند. دین انسان‌ساز اسلام از توانمندی لازم برای

بازشناسایی هویت برخوردار است. دین الهی به بشر می‌آموزد که کیست و انسانیت چیست؟ به این صورت که انسان را متوجه ارزش و کرامت ذاتی خود کرده و با دور نمودن از پوچ‌گرایی، وی را به ادامه زندگی امیدوار می‌سازد. باین‌حال برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های الهی و مفاهیم ارزشمند دینی، به نظام آموزشی و ساختار رسانه‌ای قدرتمندی نیازمند هستیم. با تحولات گسترده فناوری ارتباطات در عصر حاضر، انتقال هرچه بیشتر، غنی‌تر و قوی‌تر مفاهیم و ارزش‌ها را در سطح وسیع شاهد می‌باشیم. بنابراین با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده برای برقراری یک ارتباط سالم، می‌توان آموزه‌های دینی و ملی را در ذهن و ضمیر و روح جوانان نهادینه کرده، در نتیجه ضریب اعتماد و اطمینان آن‌ها را بالا برده و توانشان را برای مقابله در برابر تهاجم گسترده فرهنگی افزایش داد، در غیر این صورت در مواجهه با فرهنگ مهاجم و فناوری دیگران، اعتمادشان را از دست داده، دچار بحران هویت خواهند شد. (رسالت، ۱۳۸۶: ۲۰) لذا با آموزش‌های دقیق و حساب‌شده و ارتباطات سالم، می‌توان آموزه‌های اصیل ملی اسلامی را در ذهن و ضمیر و روح و روان نسل جوان، نهادینه کرده و توسعه و گسترش داد، در نتیجه ضریب اعتماد و اطمینان جوانان و نوجوانان را بالا برده و توان آنان را برای مقابله و مقاومت در برابر تهاجمات وسیع و گسترده دشمنان و بیگانگان، مضاعف و دوچندان نمود در غیر آن صورت در مواجهه با فرهنگ مهاجم و صنعت و فناوری غرب، رنگ‌باخته، اعتمادشان را از دست خواهند داد و گرفتار بحران هویت خواهند شد. نکته‌ای که باید توجه داشت این است که، آموزش، منحصر به مدرسه و دانشگاه نیست رسانه‌های گروهی نیز در این زمینه نقش مؤثر دارند. رادیو، تلویزیون و مطبوعات به همان نحو که در ایجاد زمینه‌های ذهنی غلط، نقش مخرب دارند، متقابلاً با برنامه‌های آموزشی مناسب می‌توانند در ارتقاء فرهنگ جامعه نقش ارزنده خویش را ایفا کنند (کیهان، ۱۳۸۵: ۱۲).

امام (ره) می‌فرماید: رسانه‌های گروهی، به‌ویژه صداوسیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌تواند خدمات‌های گران‌مایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران بنمایند، بنگاه‌هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آن‌ها تماس سمعی و بصری دارند چه مطبوعات در مقالات و نوشته‌های خود و چه صداوسیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها... و از هنرمندان متعهد بخواهند که در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه،

وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند. سهل‌انگاری در این امور، ساده‌اندیشی است و بر متعهدان است که کوشش کنند و از انحرافات، گرچه جزئی، جلوگیری نمایند.

### روش پژوهش

روش پژوهش: مستند ما بر این مطالب آیات قرآنی و روایات معصومین و همچنین نظر شاعران و نویسندگان نامی و عرفا و فرزندگان در این زمینه می‌باشد. (کتابخانه‌ای - توصیفی)

### بیان یافته‌ها و تحلیل علمی آن‌ها

در فرهنگ دین، ایثار و شهادت علاوه بر نیک‌نامی، دارای ارزش معنوی و روحانی است. انسان فداکار، از علائق خویش در راه هدف‌های متعالی، می‌گذرد تا به رضایت حضرت حق دست یابد. قداست شهید بر اصولی چون از اوایی و به‌سوی اوایی، کرامت و منزلت انسان، پویایی انسان، کمال نیکوی، مسابقه در نیکی‌ها، مرگ آگاهانه، اخلاص، زندگی راستین و تأسی به الگوهای جاودانه متکی است. واژه شهید از اسماء الله می‌باشد. شهید مسلمانی است که این واژه در لغت به معانی مختلف به کار رفته است. در اصطلاح ادبیات اسلامی به مسئله شهادت رویکردی ویژه دارد. در قرآن کریم واژه شهید ۱۶۰ بار به صورت مشتقات مختلف ذکر شده است و احادیث متعدد نبوی و مروی از ائمه مسئله شهید و شهادت را چون میراثی عظیم به ما رسانیده است. شعر عربی دوره اسلامی با توجه خاص به این موضوع، میزان تعهد خود را به ادبیات متعهد به اثبات رسانده است. حسان ابن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله رواحه و شمار کثیری از شاعران مسلمان در این دوره در پاسداری از حریم دین حق، با ایمان و سلاح لسان به جنگ با کفار رفته و آنگاه که در صحنه کارزار شاهد نبرد اسلام و کفر هستند، با ترسیم دلآوری‌های جهادگران و دشمن تازی‌هایشان تاریخی هنرمندانه و مکتوب از آن دوره برجای گذاردند، این اسناد هم‌اکنون در زمره شواهد تاریخی دوره صدر اسلام محسوب می‌شود. چنانچه جامعه‌ای خواهان برخوردارگی از نسلی با عزت و آماده‌ایثار



و شهادت است باید به‌طور بنیادی به فرهنگ‌سازی در این زمینه پرداخته و عوامل تأثیرگذار در این عرصه را شناسایی کرده و با تمام ظرفیت و توان برای هر کدام از آن‌ها برنامه‌ریزی نماید.

### بحث و نتیجه‌گیری

رشد و گسترش سریع اطلاعات در دنیای امروز که مرزهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... را درنوردیده، برای ملت‌ها هم می‌تواند فرصت باشد؛ هم تهدید. فرصت از این جهت که در برابر ایشان دنیایی گسترده است از اطلاعات که دستاوردهای فرهنگی دیگر ملل را در اختیار آنان می‌گذارد و تهدید از آن‌رو که هویت‌های مستقل فرهنگی تمدنی را در معرض هجوم و آسیب قرار می‌دهد. یقیناً در این عصر اطلاعات، اگر ملتی در راه حفظ و تقویت دستاوردهای فرهنگی خود قدم پیش نگذارد، نمی‌تواند در مقابل این تهدید مصون بماند. در فرهنگ ایرانی اسلامی هر چند به نمایه‌های عمیقی وجود دارد که می‌تواند هر تهدید و آسیبی را دفع کند، نمی‌توان به‌صرف اتکا به این پشتوانه از نوآوری و اقدامات لازم و مؤثر جهت حفظ و ارتقای عناصر فرهنگی چشم‌پوشی کرد. امروزه مهم‌ترین اصل برای متولیان فرهنگی تولید اندیشه و خلق نوآوری در ادبیات حوزه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی است که در ضمن حفظ دستاوردهای کنونی موجب نوآوری‌های روزافزون نیز می‌شود. در تاریخ ادبیات ما منابع نغز بسیاری پیرامون ارزش‌های فرهنگ ایرانی اسلامی در باب فرهنگ ایثار و شهادت وجود دارد که از نظر کمی و کیفی در میان ادبیات دیگر ملل نظیری ندارد. همچنین بعد از انقلاب و دوران دفاع مقدس و پس‌از آن نیز به تأثیر از آن ادبیات پرباری در حوزه‌های مختلف پدید آمد که غنای روزافزون آن را نشان می‌دهد؛ اما واقع امر این است که ما همچنان نیازمند تحقیق، پژوهش و نوآوری هستیم.

فرهنگ ایثار و شهادت مجموعه‌ای از معانی نمادین است که ایثارگری و میل به شهادت را در افراد به وجود می‌آورد و با نهادینه شدن آن، نگرش‌ها و رفتار افراد را به سمت رفتارهای ایثارگرانه سوق خواهد داد. انقلاب اسلامی که خود ثمره ایثار و شهادت است، موجب تغییر و تحول در تمامی سطوح جامعه گردید. فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگی است که بدون

خودخواهی و خودمحوری و با آزاداندیشی و رسوخ در اعماق قلب نوجوان‌های جامعه نسبت به ویژگی‌های نوجوانی و ضعف‌های او و تهدیدات زمانه بی‌تفاوت نیست، بلکه به‌جای دیدن ضعف‌ها از قوت‌های نوجوانی می‌گوید و به‌جای مرغوب شدن نسبت به تهدیدات زمانه، همان را به فرصتی جهت پیشبرد اهداف ماندنی خود تبدیل می‌نماید. همچنان که امام حسین (ع) درجای حرکت اصلاحی خویش حجت را برهمگان تمام کرد و با زبانی نرم فطرت انسان‌ها را مخاطب ساخت و لغزش‌ها و خطاهای دوست و دشمن را با بزرگواری ندیده انگاشت و با این حماسه بزرگ، ارزش‌های عالی انسانی را تمام طول تاریخ جاری ساخت و تا زمانی که فرهنگ حسینی در جامعه‌ای حاکم است سخن از گسست بین نسل‌ها جایی ندارد. فقط کافی است که فرهنگ ایثار و شهادت را بشناسیم و به آن‌ها متعهد بمانیم. قیام سرخ امام حسین (ع) و یارانش همه تبهکاران و طغیان‌گران را در طول تاریخ رسوا کرد و نمونه‌ای روشن از جهاد آرمانی را به منصف ظهور آورد. او فریاد برآورد که: اگر دین محمد (ص) جز با قتل من استوار نمی‌گردد، ای شمشیرها مرا دریابید. امام حسین (ع) قربانی هوس‌های جاه‌طلبانه دیگران نیست. او با ایستادگی آگاهانه و مقاومت هشیارانه در راه هدف مقدس به شهادت رسید. حسین (ع) الگوی همه کسانی است که در پی سلطنت و قدرت دروغین دنیوی و رقابت برای جمع مال و ثروت‌اندوزی نیستند و دل درگرو برداشتن موانع تکامل دین و اجرای دستورات خداوند دارند. امروز تهاجم دشمن یک تهاجم ضد فرهنگی است که هویت نسل امروز و آینده ما را هدف قرار داده است یعنی همان روندی که در طول سلطنت پهلوی براین کشور جریان داشت و امروزه در بسیاری از کشورها و جوامع بشری به چشم می‌خورد. آری تأسی به این فرهنگ غنی و ارزشمند بود که از پیر و جوان و مرد و زن ما انسان‌های فداکاری ساخت که ضمن خضوع و خشوع در مقابل ذات باری تعالی چون سدی استوار در برابر ظلم و تجاوز ایستادند و همین باعث شد تا عده قلیلی بر عده کثیری غلبه نمایند و عینیت‌بخش آیه شریفه «کم من فتنه قلیله غلبت فنه کثیره باذن ا...» باشند؛ اما هم امروز و هم آینده، اگر ملت رشید ما می‌خواهد آزاد و مستقل و با عزت زندگی کند، باید این فرهنگ را حفظ و ترویج کند و مسئولان و دستگاه‌های

دی‌ربط نیز در جهت تبیین ابعاد مختلف این فرهنگ و حفظ و ترویج آن تلاش کنند که لازمه حیات عزتمند جامعه‌ای مستقل است.

### پیشنهادها و راهکارها

۱. شناسایی پیشینه فرهنگی شهادت، تأسیس موزه و ایجاد نمایشگاه‌های دائمی از آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران برای انتقال فرهنگ.
۲. نگهداری و فضاسازی متناسب با شرایط زمانی و مکانی بعضی از مناطق جنگی که یادآور پایدردی‌ها، مقاومت‌ها و شهادت مظلومانه پیکارگران دفاع مقدس می‌باشد.
۳. نصب یادمان و تندیس‌های هنری و حماسی در میداين و نقاط حساس شهرها به‌عنوان پیام‌رسان آنچه اتفاق افتاده از توصیه‌های دیگر است.
۴. شایسته است به مناسبت‌های مختلف از شهدا و ایثارگران صنوف مختلف مانند کارگران، دانش آموزان، دانشجویان، روحانیون، معلمان و... تجلیل شود.
۵. باید داستان نویسان و آن‌هایی که در کار قصه و زمان قلم می‌زنند، روحیات، خلقیات، مبارزات، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، خاطرات ایثارگران و شهدا در لابلاي صفحات کتاب‌ها رقم بزنند و نقشی در جاودان نمودن آن‌ها داشته باشند تا به عنوان سیره و روش زندگی، الگو بخش نسل‌های بعدی شوند.
۶. هنرمندان چیره‌دست، شاعران شوریده دل، نویسندگان متعهد، عظمت‌ها و ظرافت‌ها و زوایای مختلف این فرهنگ عزت‌آفرین و الهام‌بخش را در قالب‌های مختلف هنری ماندگار نمایند و با آفرینش هنر و حماسه، اثر شگفت خلق نمایند.
۷. تشکیل محافل به یاد شهیدان
۸. تشکیل کانون‌هایی برای فرهنگ‌سازی در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و ادارات
۹. تشکیل کتابخانه و نواخانه با موضوع شهادت و ایثار
۱۰. پخش بروشورها و جزوه‌ها و کتاب درباره شهیدان بین علاقه‌مندان و بلکه در سطح عموم افراد جامعه
۱۱. برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی با موضوع فرهنگ ایثار در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها

۱۲. برپایی نمایشگاه‌هایی با موضوع ایثار و شهادت و...  
 ۱۳. فراخوان آثار علمی و هنری در زمینه ایثار و شهادت مثل نقاشی و پژوهش‌های علمی در سطوح مختلف و نمایشگاه کتاب، عکس، پوستر، فیلم و...  
 ۱۴. معرفی منابعی که پیرامون فرهنگ ایثار و شهادت به رشته تحریر در آمده است به اقشار مختلف جامعه.

شهادت حرکت ارزشمندی است که نتایج ارزشمند و اثربخش آن همواره در جامعه جاری است و اگر فداکاری و ایثار شهدا نبود، اسلام زنده نمی‌ماند و امنیت جامعه از میان می‌رفت. بنابراین بر همه واجب است از خون شهدا پاسداری کنند و یاد و نام آنان را زنده نگه دارند. هر گونه نقص و کاستی در هر گوشه این تابلو به معنی کمبود و نارسایی در حقیقت شهید و شهادت نیست، نقص از جانب قلمی است که کوشیده است این تابلو را ترسیم کند. پروردگارا! خداوندا! تو را قسم می‌دهیم به محیوبیت حسین (ع) ما را برای برخورداری از فرهنگ ایثار و شهادت آماده بفرما و همان گونه که گذشتگان ما، نیکان ما، این فرهنگ عظیم خدایی به ما معرفی کردند و دامان علی و آل علی را به ما سپردند، ما را موفق بفرما تا دامان علی و آل علی و حسین (ع) را به نسل‌های آینده و به فرزندانمان بسپاریم.

## منابع و مأخذ

- اداره امور تبلیغی (۱۳۶۲) اعتیاد ره‌آورد استعمار، اداره کل تبلیغات و انتشارات.
- ابراهیمی و رکیانی، (۱۳۸۲) محمد، تاریخ اسلام، قم، دفتر نشر معارف.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۸۱) آئینه پژوهش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۰) دیوان حافظ، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران، نشر دوران.
- خامنه‌ای، سید علی. سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در جمع فرماندهان و بسیجیان لشکر ۲۷ محمدرسول الله، عاشورای ۱۳۷۲ ش، روزنامه جمهوری اسلامی.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۱) صحیفه نور؛ چاپ اول، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۶) صحیفه نور، تهران، مؤسسه نشر آثار امام.
- خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۳) مصباح الهدایه و الخلافة. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۵). ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خفاجی عبدالنعم در اسارت فی الشعر الجاهلی و اسلامی، ۱۹۹۲، ط ۱، دارالجلیل.
- دبیرخانه شورای عالی جوانان (۱۳۶۸) جایگاه نسل جوان در پرتو منشور تربیتی نسل جوان، چاپ اول، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای عالی جوانان.
- روزنامه رسالت، ۱۳۸۶ ص ۲۰.
- روزنامه کیهان، ۱۳۸۵ ص ۱۲.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۸) روانشناسی عمومی، نشر دوران.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۷)، ترجمه نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ضیف شوقی، تاریخ الادب العربی - العصر الاسلامی، ط ۲۱، دارالمعارف، مصر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان. [بی‌تا]. قم: انتشارات دارالعلم.
- عاملی حر (۱۳۹۱)، محمد، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- عزام محمد، قضیه الالتزام فی الشعر الاموی، ۱۹۸۹، ط ۱، دارطلاس، دمشق.

- قرائتی، محسن (۱۳۷۷) تفسیر النور، چاپ سوم، موسسه در راه حق، قم.
- کاردان، علی محمد (۱۳۷۷) ضرورت بسط و توسعه تحقیقات در آموزش و پرورش، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
- کلینی؛ اصول کافی؛ ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- لاهیجی، محمد (۱۳۷۷) شرح گلشن راز شبستری. انتشارات کتابخانه محمودی.
- ماهنامه پاسدار اسلام (۱۳۸۲)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۲۶۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷) قیام و انقلاب مهدی (عج) به ضمیمه شهید، قم، صدرا.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق) بحارالانوار الجامعه العلوم الاثمه الاطهار بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مولوی، علی محمد (۱۳۷۸). شاهدان شهادت. نشر شاهد.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴) ترجمه قرآن، قم، مدرسه امام علی (ع).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی